بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله الذی فضلنا علی جمیع الامم والصلوة والسلام علی
محمد و آله سادات العرب والعجم چنین گوید اقل السادات
عبد الوهاب الرضوی الحسینی الطوسی ابن محمد الحسینی که چون
مکه معظمه و روضات مقدسه فردوس نشان انبیاء و مرسلین
و ائمه طاهرین و اماکن مشرفه و منوره عرش بنیان آل طه و یس
صلوات الله علیهم اجمعین مهبط فیوضات خالق انس و جان
و قبله حاجات موالیان و کعبه مرادات جهانیان و مشرف
گردیدن شیعیان بزیارت کعبه و این بزرگواران باعث تحصیل

بهشت جاودان و موجب فلاح و رستگاری از عصیان و سبب
خلاصی از نیران است لهذا چون بعد از وصول حج و شرف حضور در
خدمت هر یک از بزرگواران محتاج بکتاب حج و زیارات از کتب معتبره
بودند و حمل و نقل آنها نظر بتفصیلی که دارد صعوبتی داشت
مختصری از زیارات و ادعیه و اعمال کتب معتبره منتخب شود
و از آنجا که حج و زیارات و ادعیه ماثوره از اهل بیت خواندن
و مواظبت آنها از جمله احکام شرعیه فرعیه است محتاج بتقلید
مجتهد است لهذا بفرموده جناب مستطاب قدوة الانتساب الذی
افتخر به العلماء الاطیاب زبدة المعارف و الانجاب اعلم العلماء
العظام و افضل الفضلاء الکرام و افقه فقهاء الاعلام
حاوی الفروع و الاصول جامع المعقول و المنقول قدوة المحققین
و المدققین و سلالة ذریة سید الانس و الجان الاکرم الاعظم
الذی منور بنور علمه و العجم سمی سید النبیین خاتم المجتهدین
الحاج سید محمد الرضوی الطوسی لا زال وجوده وجود مخصوص

جمع شد و از نظر فیض منظر جناب سامی الالقاب گذرانیده شد
و چون تحسین ایشان باعث وثوق تام و خواطر جمعی تمام
شد بر صحت احادیث و ادعیه و زیارات این مجموعه
آن را مسمی گردانیدم بزاد الزائرین و آن مشتملست بر
مقدمه و هشت باب و خاتمه که هر یک مشتمل میباشد بر چند
فصل   یبوفی کرآن در ضمن دو فصل است
در حرکت کردن از منزل و خانه و راه رفتن از حضرت صادق ع
منقولست که اختیار کن جهت حرکت بسفر روز شنبه را
که بهترین روزها است از روز سه شنبه و پنجشنبه و
اجتناب کن از روز دوشنبه و چهارشنبه و قبل از ظهر
جمعه و چون اراده حرکت نمائی غسل کن و عمامه بر سر گذار
و حنک به بند و دو رکعت نماز بکن و اهل خود را جمع نما و
خیر خود را از خدا بطلب دعا کن و اهلت آمین گویند و آیة
الکرسی بخوان و صلوات بفرست و تربت حضرت امام حسین ع

باخو

با خود بردار و عصای بادام تلخ بدست گیر و حمد الهی کن و اهل
خود را وداع کن و تصدق بهر چه ممکن شود بکن و بسم الله
بگو و تسبیح حضرت فاطمه ع بگو و سوره حمد را از پیش رو
و از جانب راست و چپ بخوان و همچنین آیة الکرسی از جانب راست
و چپ بخوان و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَاسْتَعَنْتُ
بِاللّٰهِ وَاَلْجَاْتُ ظَهْرِیْ اِلَی اللّٰهِ وَفَوَّضْتُ اَمْرِیْ اِلَی اللّٰهِ رَهْبَةً
مِنَ اللّٰهِ وَرَغْبَةً اِلَی اللّٰهِ وَلَا مَلْجَاءَ وَلَا مَنْجیٰ وَلَا مَفَرَّ مِنَ
اللّٰهِ اِلَّا اِلَی اللّٰهِ رَبِّ اٰمَنْتُ بِکِتَابِکَ الَّذِیْ اَنْزَلْتَ وَ
نَبِیِّکَ الَّذِیْ اَرْسَلْتَ اِنَّهُ لَا یَاْتِیْ بِالْخَیْرِ اِلَّا اَنْتَ وَلَا
یَصْرِفُ السُّوْءَ اِلَّا اَنْتَ عَزَّ جَارُکَ وَجَلَّ ثَنَاؤُکَ وَتَقَدَّسَتْ
اَسْمَاؤُکَ وَعَظُمَتْ اٰلَاؤُکَ وَلَا اِلٰهَ غَیْرُکَ و چون اراده
کنی سوار شدن را بگو بسم الله و الله اکبر و بعد از سوار
شدن هفت مرتبه سبحان الله و هفت مرتبه الحمد لله و
هفت مرتبه لا اله الا الله بگو و در گوش راست و چپ مسافر

هر يك اين را انّ الذى فرض عليك القرآن لرادّك الى معاد
بخوانند و چون روانه شوى سورهٔ قل هو الله احد را
بر هفت جانب بخوان پيش رو و يمين و يسار و عقب و فوق
و تحت و بعد و چون سر بالا روى الله اكبر بگو و چون
سرازير روى سبحان الله بگو و اگر راه گم كنى ندا كن يا صالح
يا ابا صالح ارشدونا الى الطريق رحمكم الله و بروايت
ديگر موكلست بدرياها حمزه و بصحراها صالح پس در دريا
حمزه را ندا كن و مرويست كه هرگاه راه گم كنى بجانب دست
راست ميل كن و هرگاه مركبت چموشى كند بگوش راست
مركب اين آيه را بخوان وله اسلم من فى السموات والارض
طوعا وكرها واليه ترجعون و هرگاه كشتى سوار
شوى صد مرتبه الله اكبر و صد مرتبه اللهم صل على
محمد وآل محمد بگو و چون بمنزل فرود آيى بگو رب انزلنى منزلا
مباركا وانت خير المنزلين دو ركعت نماز كن و بگو
اللهم

اللهم ارزقنا خير هذه البقعة واعذنا من شرها اللهم
اطعمنا من جناها واعذنا من وباها وحببنا الى اهلها وحبب
صالحى اهلها الينا و اگر فرود آيى بمنزلى كه خوف داشته باشى بگو
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله
الحمد بيده الخير وهو على كل شىء قدير اللهم انى اعوذ
بك من شر كل سبع ومن كل آفة و بهترين چيزها بجهت سلامتى
سفر و محافظت از جميع بلاها و برآمدن حاجات تصدق بسادات
مؤمن است   در ثواب فضيلت و زيارت و آداب غسل
زيارت جناب رسول خدا ص و ساير ائمهٔ معصومين است و در آن
چند مطلب است   در ثواب و فضيلت زيارات
بسند معتبر از حضرت موسى بن جعفر ع منقولست كه چون
روز قيامت شود در عرش خداوند رحمن چهار كس باشند
از اولين و چهار كس از آخرين اما چهار كس اول نوح
و ابراهيم و موسى و عيسى اند و چهار كس دوم محمد و على و حسن و حسين

اندرونشینند با ایشان هرکه زیارت کند قبرهای ائمه علیهم السلام را
بدرستیکه زیارت کرده کانرا فرزندم حضرت امام رضا ع بدر
ایشانرا زهمه بزرکتر باشد و ایضا بسند معتبر از آنحضرت
مرویست که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که
هرکه زیارت کند در حیات ما یا بعد از ممات ما من و تو او
حسن و حسین را ضامنم برای او در روز قیامت اینکه خلاص
دهند او را از ترسها و سختیهای ان روز تا بمرتبه او را در روز
ببهشت و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
حضرت رسول ص فرمود که هرکه زیارت کند مرا یا زیارت کند
احدی از فرزندان مرا زیارت کنم او را در روز قیامت و خلاص
کنم او را از ترسهای آن روز و از امام جعفر صادق ع منقولست
که هرکه زیارت ما را بعد از فوت ما چنانست که ما را زیارت
کرده باشد در حیات ما و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که هرکه قصد کند از خانه خود زیارت امامی را که اطاعت اش

واجبست

واجبست برای خرجی خود یکدرهم بیرون آورد بنویسد حق تعالی
برای او هفتاد هزار حسنه و محو کند از او هفتاد هزار سیئه
و بنویسد نام او را در دیوان صدیقان و شهیدان خواه اسراف
کند در خرج یا نکند   در آداب غسل زیارت و آن
دو قسم است   در حکم غسل سنت است چه زیارت باشد
یا غیر آن اگر کسی غسل بکند در اول روز و باقی باشد تا شام
یا در اول شب غسل کند و باقی باشد تا آخر شب یا نکه بخوابد
باشد در بین انغسل باقی خواهد بود تا آخر روز تا آخر شب
در فضیلت و کیفیت غسلست چنانکه در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقولست در تفسیر آیه خُذُوا
زِینَتَکُم عِندَ کُلِّ مَسجِدٍ که ترجمه اش اینست که بگیرید زینت
خود را نزد هر مسجدی فرمود که مراد غسل کردن نزد ملاقات
هر امامی است و ایضا بسند معتبر منقولست از ابن عباس که در
اثنای غسل زیارت بخواند اَللّهُمَّ طَهِّرنی مِن کُلِّ ذَنبٍ وَ نَجِّنی

مِنْ كُلِّ كَرْبٍ وَذَلِّلْ لِي كُلَّ صَعْبٍ اِنَّكَ نِعْمَ الْمَوْلٰى وَنِعْمَ الرَّبُّ
رَبُّ كُلِّ يَابِسٍ وَرَطْبٍ و بسند معتبر مرویست که حضرت
امام جعفر صادق ع بعد از فارغ شدن از غسل زیارت این
دعا می خواندند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُوراً وَطَهُوراً وَحِرْزاً وَكَافِياً
مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَعَاهَةٍ وَطَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَجَوَارِحِي وَعِظَامِي وَلَحْمِي
وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَمُخِّي وَعَصَبِي وَمَا اَقَلَّتِ الْاَرْضُ
مِنِّي وَاجْعَلْهُ لِي شَاهِداً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي
وَفَاقَتِي و پوشیدن جامهای نفیس و پاکیزه و بوی خوش
استعمال کردن سنت و آیهٔ کریمه خُذُوا زِینَتَکُمْ اینها را
نیز شامل است غیر از زیارت حضرت امام حسین ع که منع آن
از خارج وارد شده است در اذن دخول
شدن روضات مقدسه و آداب زیارت نظر بمضمون آیهٔ
کریمهٔ یَا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ اِلَّا اَنْ
یُؤْذَنَ لَکُمْ بنابراین باید اذن گرفت و معنی اذن آنست که

آثار حزن و جاری شدن اشک ظاهر شود و رقت حاصل
شود که آن آثار اذن دادنست و دیگر بوسیدن عتبه و
سجده است و بهتر آنست که سجدهٔ شکر بکنی بجد بجهت شکرانه
این نعمت عظمی و اگر بنیت تعظیم و جلالت ایشان بجا بیاوری عیب
ندارد و بهتر آنست که در حین زیارت صدا بلند نکنند نظر
بعمومات که در اخفای ذکر و بآیهٔ یَا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا
اَصْوَاتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ و بدرستیکه حرام کرده است
از مؤمنان در حال حیات آنچه را حرام کرده است در حال ممات
ایشان از این آیه و حدیث معلوم می شود که در زیارت حضرت
رسول ص صدا نباید بلند کرد و چون از احادیث بکر ظاهر می شود
که اکرام ائمهٔ طاهرین مثل اکرام حضرت رسولست پس بهتر
آنست که در زیارات ائمه ع نیز رعایت نمایند و مستحب
است که در وقت زیارت نزدیک ضریح و پشت بقبله رو
بضریح نماید و در وقت اذن دخول هر یک از روضات مقدسه

بعد انجه مناسب است اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له واشهد ان محمدا صلی الله علیه وآله عبده ورسوله
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی قد وقفت علی باب بیت
من ابواب بیوت نبیک صلواتک علیه وآله وقد منعت
الناس ان لا یدخلوا بیوت النبی الا باذنه فقلت یا
ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن
لکم اللهم انی اعتقد حرمة صاحب هذا المشهد الشریف
فی غیبته کما اعتقد فی حضرته واعلم ان رسولک و
خلفائک علیهم السلام احیاء عندک یرزقون یرون
مقامی ویسمعون کلامی ویردون سلامی وانک
حجبت عن سمعی کلامهم وفتحت باب فهمی بلذیذ منا
جاتهم وانی استاذنک یا رب اولا واستاذن
خلیفتک الامام المفروض الطاعة والملائکة
الموکلین بهذه البقعة المبارکة ثالثا ءادخل یا

الله

الله ءادخل یا حجة الله ءادخل یا امیر المؤمنین ءادخل یا
ملائکة الله المقربین المقیمین فی هذا المشهد فأذن لی
یا مولای واگر دو امام باشد بگوید یا مولیی فی الدخول
افضل ما اذنت لاحد من اولیائک فان لم اکن اهلا لذلک
فانت واگر دو امام باشد بگوید فانتما اهل له وپای راست را
داخل حرم بگذارد و سی مرتبه الله اکبر بگوید و دو گام بردارد و دو
مرتبه دیگر الله اکبر بگوید و چند گامی دیگر بردارد و چهل مرتبه
الله اکبر بگوید و بعد از آن مشغول زیارت شود

در مکه معظمه و مناسک و اعمال حج است که از کتاب مناسک جناب
خاتم المجتهدین سابق الذکر دام ظله مختصر شده بقدر ضرورت و آن
بر دو مطلب است   در فضیلت و عقاب تارک آن است چون
حج رکنی است عظیم از ارکان فروع اسلام واخبار از ائمه اطهار
و جناب رسول مختار در متواتر است از آنجمله وارد شده است از جناب
پیغمبر اینکه کسی را که حج واجب شود و حج نکند باید بمیرد بدین یهود

بانصاری و نیز روایت شده است که هر که حج کند و جماع
نکند و فسوق بعمل نیاورد در انحال بیرون میاید
از گناهان مثل انروزیکه از مادر متولد شده
باشد و این مطلب مستغنی از اظهار و ثبت
اخبار است نظر بوضوحی که دارد

در اقسام حج است و در افعال حج است و در
افعال حج تمتع است بدانکه حج بر سه نوع است
حج تمتع است و حج قران و حج افراد و حج تمتع واجب است
بر مکلفی که منزل ان از مکه شانزده فرسخ شرعی دور
باشد بنا بر قول اشهر و اظهر و عمره این مقدم
بر حج است در حال اختیار و اگر کمتر ازین باشد
یا از اهل مکه باشد بر ایشان واجب است حج
قران و افراد و حج تمتع و افعال ان در شش
مکان است   میقات گاه است و در ان
چند

چند امر از عمره است   احرام بستن است
از یکی از میقات گاه‌ها مثل مسجد شجره که از سمت
مدینه طیبه است و سعدیه از سمت دریاست
و وادی عقیق از سمت جبل است و غیر ان
که در ان حدود معروف است   گویند که انچه
بنظر حقیر رسید مسجد شجره بود که ان خراب است
در این اوقات و انچه معلوم شد علامت و دیوار
که باقی است از مسجدی که جناب نبی صلعم قرار فرموده است
نیست بلکه بعد زیاد کرده اند ظاهر است در اول
خرابه مسجد سنگ قرمز کوچکی که مثل میل نصب کرده اند
و در سمت راست ان باید محرم شد چون قرار اول

انجا بوده است و در میقات گاه های دیگر هم مخصوص
باید معلوم نمود و بدانکه جایز نیست احرام بستن
پیش از میقات گاه و نه بعد از انکه میقات گاه
گذشته باشد و هر گاه از میقات گاه گذشت واجب است
اینکه بر گردد و احرام از انجا ببندد و هر گاه
متمکن از بر گشتن نباشد پس اگر با عذر تاخیر
کرده باشد مثل انکه فراموش کرده باشد که
از میقات گاه احرام ببندد یا مثل ان احرام
می بندد از ان مکانی که عذر ان بر طرف شده باشد
و اگر عمداً تاخیر نموده باشد و عود هم ممکن نباشد
پس صحیح نیست احرام ان و اگر شخصی که احرام
می بندد

می بندد جنب یا حایض باشد باید داخل مسجد شود و لکن توقف نکند
و بلکه احرام را در حال عبور ببندد و اگر ممکن نشود احرام بستن بدون
توقف باید از خارج مسجد احرام ببندد و در حال انکه توقف نکند در مسجد
در صحت آن اشکال است و اقوی صحت است از افعال عمره تمتع طواف
خانه کعبه است دو رکعت نماز طواف است سعی ما بین صفا و
مروه است تقصیر است و بعد از ان مشغول به افعال حج می شود و در ان
چند چیز واجب است احرام حج است وقوف بعرفات
وقوف بمشعر است انداختن ریگ است بجمره عقبه قربانی
کردن است سر تراشیدن است طواف خانه کعبه است
دو رکعت نماز طواف است سعی ما بین صفا و مروه است طواف
نساء است دو رکعت نماز طواف نساء است این مجمل از افعال حج
تمتع است در تفصیل احکام حج تمتع است و در ان چند
فصل است در بیان احکام احرام است چه احرام حج باشد
یا عمره و در ان چند بحث است در بیان اموراتی است که بعضی

از احرام مستحب است و آن چند چیز است سنت است که موی سر و ریش را
بگذارند که بلند شود از اول ماه ذی القعده تا وقت احرام
سنت است اینکه پاک کند بدن خود را از مو و چرک و چیزها سنت است اینکه
ناخن بگیرد سنت است که شارب خود را بگیرد سنت است اینکه
نوره بکشد هر چند که ده روز گذشته باشد غسل احرام
است و اگر غسل کرده باشد و بعد فعلی که منافی احرام باشد یا ناقض
غسل بعمل آورد سنت است که دوباره غسل نماید سنت است
که احرام ببندد بعد از نماز واجب چه ادا باشد یا قضا و اگر اتفاق
نشود نماز واجب سنت است که شش رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت
نماز احرام بجا بیاورد و در رکعت اول قل هو الله احد بخواند
و در رکعت دوم قل یا ایها الکافرون و هر گاه احرام ببندد
بعد از نماز واجب پس در اثنای نماز احرام تا ملتفت و احوط ترکست
سنت است که بعد از نماز بگوید اَلحَمدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمِینَ
وَصَلَّى اللهُ عَلى سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِینَ اَللّهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ

ان

اَن تَجعَلَنی مِمَّنِ استَجابَ لَكَ وَآمَنَ بِوَعدِكَ وَاتَّبَعَ اَمرَكَ فَاِنّی
وَفی قَبضَتِكَ لا اُوقى اِلّا ما وَقَیتَ وَلا اَجِدُ اِلّا ما اَعطَیتَ
وَقَد ذَكَرتَ الحَجَّ فَاَسئَلُكَ اَن تَعزِمَ لی عَلَیهِ عَلى كِتابِكَ
وَسُنَّةِ نَبِیِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ وَتُقَوِّیَنی عَلى ما ضَعُفتُ
عَنهُ وَتُسَلِّمَ مِنّی مَناسِكی فی یُسرٍ مِنكَ وَعافِیَةٍ وَاجعَلنی
مِن وَفدِكَ الَّذی رَضِیتَ وَارتَضَیتَ وَسَمَّیتَ وَكَتَبتَ
اَللّهُمَّ اِنّی اُرِیدُ التَّمَتُّعَ بِالعُمرَةِ اِلَى الحَجِّ عَلى كِتابِكَ وَسُنَّةِ
نَبِیِّكَ صَلَواتُكَ عَلَیهِ وَآلِهِ فَاِن عَرَضَ لی عارِضٌ یَحبِسُنی
فَحُلَّنی حَیثُ حَبَستَنی بِقَدَرِكَ الَّذی قَدَّرتَ عَلَیَّ اَللّهُمَّ اِن لَم
تَكُن فَعُمرَةٌ اَحرَمَ شَعری وَبَشَری وَدَمی وَعِظامی وَمُخّی
وَعَصَبی مِنَ النِّساءِ وَالثِّیابِ وَالطِّیبِ اَبتَغی بِذلِكَ وَجهَكَ
وَالدّارَ الآخِرَةَ و هر گاه حایض باشد زن احرام می بندد بدون
نماز و غسل در بیان واجبات احرام است و آن نیز چند
چیز است نیت است چه بزبان بگوید یا بدل که احرام می بندم

از جهت عمرهٔ تمتع بحج قربةً الی الله و محرمات حال احرام را بنظر بیاورد
و در وقت نیت پس در احرام حج می‌گوید احرام می‌بندم بحج تمتع
قربةً الی الله و هرگاه حج یا عمره واجب باشد یا سنت قصد وجوب
یا سنت را بکند بهتر است و لکن تعیین احرام حج یا عمره لازم است و هم
چنین در جمیع اعمال احرام تعیین بهتر است   از واجبات
گفتن چهار لبیک است باین صورت که بگوید لَبَّیْکَ اَللّٰهُمَّ لَبَّیْکَ
لَبَّیْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَا شَرِیکَ لَکَ
و این صورت احوط است و بعضی قسم دیگر گفته‌اند که بگوید لَبَّیْکَ
اِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ پس احتیاط
آنست که دو مرتبه بگوید یکمرتبه صورت اول و یکمرتبه صورت ثانی
و واجب از تلبیه یکمرتبه است و سنت است بر مرد اینکه بلند بگوید
تلبیه را و مستحب است تکرار تلبیه بعد از نمازها واجب و سنت
است در وقت سوار شدن و بر بالا رفتن و سرازیر رفتن و از
خواب بیدار شدن و اوقات سحرها و احوط آنست که نیت احرام را
باتلبیه

با تلبیه مقارن بکند یعنی بگوید   پوشیدن دو جامهٔ احرام است
باین کیفیت که یکی را بطریق لنگ به بندد و یکی را بر دوش بگیرد
و وقت پوشیدن بعد از غسل و پیش از نیت احرام است و باید
در وقت پوشیدن نیت نماید که از برای احرام عمره است یا حج
و وجوب پوشیدن دو جامهٔ احرام از برای مرد است نه از
برای زن و باید این دو جامه از لباسهایی باشد که نماز در
آن صحیح باشد و جایز نیست اینکه جلد باشد هر چند جلدی
باشد که نماز در آن صحیح باشد و بهتر آنست که بافته باشد
نه مالیده و لازم نیست اینکه جامه را همیشه پوشیده باشد بلکه
همینکه در ابتدای احرام پوشید و بعد بکند و دوش برهنه بود
عیب ندارد و جایز است اینکه زیاد از دو ثوب را بپوشد
خصوصاً هرگاه سرما باشد یا گرما و در جواز پوشیدن زن
رخت ابریشمی را دو قول است و اقوی حرمت و سنت است اینکه
دو جامهٔ احرام از پنبه باشد و سفید باشد   در بیان

محرمات آنست بدانکه چند چیز است که بعد از آنکه احرام بست حرام
است بر ایشان بآن و باید که ترک نماید انرا   حرام است
که شکار کند حیوانی را که در بیابانها باشد نه در دریا یا اینکه
نشان بدهد بشخص دیگر یا آلت شکار بدهد خواه شکار کننده
محرم باشد یا محل زیرا که اصل این فعل حرام است و اظهر آنست
که مذبوح آن نیز حرام است و میته می باشد و حیوانی که صید
آن حرام است اختصاص ندارد بحیوان حلال گوشت مگر حیوانی که
موذی باشد و حیوانی که در آب و غیر آن می باشد مثل مرغابی پس
کشتن و خوردن آن حرام است   از محرمات مقاربت کردن
با زنانست و عقد بستن چه از جهت خود باشد یا بجهت غیر و باطل
است آن عقد و قول بحرمت مؤبد معقوده قوة دارد و اما رجوع
کردن بزن هرگاه طلاق رجعی باشد جایز است یا کنیزی بخرد
عیب ندارد و شاهد شدن و اقامه شهادت و هر چند که پیش از احرام
متحمل شهادت شده باشد نیز حرام است بشرط اینکه مترتب نشود

و ترک

بر ترک شهادت فعل حرامی چنانچه حرام است مقاربت حرام است
بوسیدن و ملامسه و نظر کردن از روی شهوت   از محرمات
حرام است بر محرم پوشیدن و خوردن و مالیدن به بدن و رخت
چیزی که بوی خوش داشته باشد و ظاهر آنست که هر چیزی که از برای
بوئیدن باشد نیز حرام است و اختصاص ندارد بمشک و عنبر و زعفران
و کافور و اما بوئیدن میوه ها یا خوردن انها مثل سیب و به عیب
ندارد و هم چنین لازم نیست احتراز کردن از بویها اینکه در بازار
مابین صفا و مروه می باشد و ضرر ندارد هرگاه در خت احرام بخلوق
کعبه مالیده شود و هرگاه مضطر شود بدوا اینکه در آن بوی خوش
باشد استعمال آن ضرر ندارد و ظاهر آنست که بعض گیاه ها اینکه
در آن بوی خوش می باشد مثل درمنه ترکی و هل و میخک و مانند
آن بوئیدن انها ضرر ندارد و هر چند که احوط اجتناب است از جمیع
بوهای خوش هم چنانکه بوی خوش حرام است بوهای بد نیز حرام است
و باید از انها احتراز نماید   از محرمات پوشیدن مرد محرم است

رختی که دوخته باشد مطلقا و در اعمی که دوخته نشده باشد مثل
کپنک و یا پانچی که مالیده باشند هرگاه بدوش بگیرد ظاهر جواز آنست
و اگر تکمه و بندی بانها دوخته باشند اشکال ندارد و اظهر آنست که
زنان میتوانند که رخت دوخته بپوشند   از محرمات پوشیدن
مرد است چیزی را که پشت پا را بپوشاند مثل چکمه و دو بندی و کفشهای
عجمی که دوری آن بسیار است و جوراب و مانند آن و احوط آنست که
زنان نیز اجتناب نمایند و این احتیاط را ترك نباید کرد   از
محرمات دروغ گفتن است و ظاهر آنست که مطلق دروغ حرام باشد
و اختصاص ندارد به دروغ بستن بر خدا و رسول و ائمه اطهار ع
و حرام است فحش دادن بغیر و بر حرمت دشنام دادن بر خود
تامل است و احوط اجتناب است و حرام است مفاخرت کردن بر غیر
از محرمات گفتن جدال است و ظاهر آنست که در مقام
خصومت با شخصی باشد حرام است گفتن لا والله و بلی والله
پس مجرد قسم خوردن باین لفظ حرام نخواهد بود هرگاه صادق
باشد

باشد و ظاهر آنست که جایز است رفع ادعای دروغ باین قسم
یا هر قسمی که باشد   از محرمات کشتن حیوانیست که در بدن
پیدا می‌شود چه در بدن باشد یا در رخت مثل شپش و کیک و همچنین
حرامست انداختن آن بر زمین و لکن میتوان از آن موضع برداشت
و بجای دیگر گذاشت   از محرمات روغن مالیدن به بدنست
یا چیز دیگر هر چند که در آن بوی خوش نباشد و اما در حال ضرورت
جایز است   از محرمات دور کردن مو است از بدن چه از ریش
باشد یا سایر بدن و هرگاه مضطر شود بدور کردن مو جایز است
از محرمات پوشیدن سر است بر مرد نه بر زن و هر چند که
بعضی از سر بوده باشد مگر با اعضای خود مثل با دست که جایز است
بپوشانند یا بخاریدن و همچنین حرامست پوشانیدن گوش
و جایز است پوشانیدن کردن در رو و جبهه و عارض چون در اینجا
داخل در سر نیست و از جمله پوشانیدن سر است فرو رفتن در زیر آب
بردن نیست چه به نیت غسل باشد یا غیر آن و اگر نیت غسل باشد

غسل انمام صحیح نیست و جایز است که آب بر سر بریزد و از جملهٔ
پوشیدنست هرگاه سر را حنا یا گل یا دوا یا طین را بر سر بگذارد و مانند
اینها بنا بر اقوی و جایز است که بند مشک را بر سر بگذارد و در وقتی که
مشک را بردارد و هرگاه سر را بفراموشی بپوشید بعد از تنبه واجب
است که فورا بردارد و تجدید تلبیه نماید و اما بر زنان پوشیدن
سر واجب نیست بلکه بر ایشان لازم است که صورت خود را بنوعی بپوشانند
از نامحرم که قناع بصورت نرسد که احرام ایشان در صورتست با چوب
یا دست حایل قرار دهند که بصورت نرسد چنانچه متعارف در انجا است
ولکن جایز است که زن دستها بر صورت بگذارد و جایز است که زن
بر رو بخوابد چنانچه جایز است که مرد سر را بر بالش بگذارد
از محرمات احرام سایه بر سر افکندنست و در زیر سایه رفتن است
از برای مرد در حال راه رفتن چه سوار باشد یا بنشیند در محمل
یا کجاوه که سر داشته باشد و اما زن پس جایز است اینکه در زیر
سایه برود و افضل اجتناب است و اما هرگاه پیاده برود در زیر سایه

اقوی

اقوی جواز است و احوط ترکست و اما در حال ضرورت در کجاوهٔ
سر پوشیده نشستن و غیر آن جایز است و همچنین بدون ضرورت
در منزل در خیمه نشستن و در سایه راه رفتن جایز است و مدار
بر ضرورت مشقت بسیار است که تحمل آن بسیار مشکل و صعب
باشد و موجب ضرر شود   از محرمات احرام ناخن گرفتن است
در غیر حال ضرورت از برای مرد و زن و اما در حال ضرورت جایز است
مثل اینکه ناخن آن شکسته باشد و اذیت نماید   از محرمات
احرام قطع درخت و گیاه است که در حرم روییده باشد و اما
قطع آن در غیر حرم جایز است و تفاوت نمیکند در حکم اینکه قطع
نماید همه آنرا یا قدری از آنرا مثل شاخه و برگ آن و ظاهر اینست
که خشک و تر آن تفاوت نداشته باشد و هرگاه شاخه از درخت
شکسته باشد یا افتاده باشد پس در جواز انتفاع از آن اشکال است
و احوط جواز است   از محرمات غسل دادن و حنوط کردن
میت محرم است بکافور   از محرمات انگشتر در دست کردنست

از جهت زینت و اگر بقصد سنت باشد جایز است

از محرمات احرام سرمه کشیدن بسیاهی است چه زن باشد

یا مرد چه بقصد زینت بکند یا نه چه بچیزی ممزوج باشد که بوی

خوش داشته باشد یا نه   از محرمات پوشیدن زنست زیور

ها نیز اگر معتاد بآن نباشد چه قصد زینت داشته باشد یا نه

و اما زیوری که معتاد باشد جایز است که هرگاه قصد زینت نداشته

باشد و هرگاه قصد زینت داشته باشد حرام است و حرام است بودن

اینکه اظهار نماید انچه را پوشیده است از زیور بشوهر خود و غیر آن

از محارم و اجانب مردها زیرا که شاید موجب فساد شود

از محرمات احرام نظر کردن بآینه است چه زن باشد یا مرد و هرگاه

نظر کند واجب است اینکه تجدید تلبیه نماید   بیرون آوردن

خونست از بدن چه بقصد باشد یا بخاریدن در حال اختیار و اما

هرگاه مضطر شود جمیع اینها جایز است و هرگاه مسواک کند که موجب

بیرون آمدن خون شود پس در حرمت و کراهت آن تامل است و اقوی

کراهت

کراهت است   از محرمات احرام خضاب بستن است چه بدست

باشد یا بسر و ریش و در لزوم نیت زینت یا غیر آن در حرمت

آن تامل است و دور نیست که مطلقا حرام باشد   پوشیدن

اسلحه حربیست بدون ضرورت در حال اختیار   در مسجد

الحرام و خانه کعبه و ارکان آن و غیره و احکام آنها است و حقیر

مؤلف را بخاطر رسید که بجهة آسانی تعلیم کرفتن صورت

مسجد الحرام اصل را و خانه کعبه و حجر اسماعیل و ارکان کعبه

معظمه و مقام ابراهیم علیه السلام و منبر و طاق بنی شیبه و سنک

علامت که بجهة شروع در طواف مرحوم جنت آشیان سید محمد

مهدی نجفی اعلی الله مقامه در میان سنکهای فرش مسجد نصب

نموده اند و چاه زمزم را منقش نمودم که بر متعلمین آسانتر

باشد و حقیر را بدعای خیر یاد فرمایند و طریقه طواف نمودن آنست

که هفت مرتبه دور خانه کعبه و حجر بکردند بنوعیکه از مسجد الحرام خارج

نشوند و داخل کعبه و حجر هم نشوند حتی شاذروان که سراشیبی دور دیوار

خانه است و درین طواف و چون مسجد الحرام حال بزرگتر شده است از
میلهای معروف که نصب شده است مسجد اصل است مکرر در سمت حجر اسمعیل
یعنی پشت آن که آنجا میلها را در خارج مسجد نصب کرده اند و بنابر تحقیق
مؤلف تخمینا یک ذرع و نیم زیاده تر از حجر دور نمیتوان شد و مقام ابراهیم هم
باید خارج از طواف باشد و در اینمکان تخمینه مطلب است   دد

شر

شروط طواف است بدانکه شرط است در صحت طواف واجب اینکه متطهر
باینکه محدث نباشد چه محدث اکبر یا اصغر پس اگر ناقض وضو یا غسل
بعمل آمده باشد باید که وضو بسازد و غسل نماید بجهت طواف و اگر زن
حایض یا نفساء باشد باید وضو بسازد و غسل کند و اما طواف سنتی
پس جایز است اینکه بعمل آورد طواف را بدون وضو و هرگاه متمکن
از وضو و غسل نباشد اظهر آنست که تیمم می کند و طواف میکند
از شرایط ازاله نجاست از جامه و بدن است و اظهر آنست که طواف
سنتی مثل طواف واجب باشد در این حکم و لکن اگر جاهل بنجاست
باشد اگر بعد از طواف عالم شود طواف آن صحیح است و اگر در بین
طواف عالم شود قطع طواف می کند و ازاله نجاست میکند و باقی طواف را
بعمل می آورد و اگر نجاست از جمله نجاساتی باشد که در نماز معفو
باشد در عفو آن خلاف است و اقوی عفو است   از شرایط
طواف آنست که ختنه شده باشد و اگر ختنه نشده باشد باید
ختنه نماید بخود و اقوی اینست که اگر متمکن از آن نباشد ع از آن

ساقط می شود   از شرایط ستر عورتست در طواف بنا بر اقوی

در واجبات طوافست و در آن چند امر است ۱ نیت است

بهتر آنست که بگوید هفت شوط می کنم خانه کعبه را طواف عمره اسلام را

در عمره تمتع واجب قربة الی الله ولا اهمین که میداند که از جهة اطاعت

جناب اقدس الهی هفت مرتبه دور خانه کعبه میکرد و کافی است و

باید که این نیت مقارن باول طواف باشد و باید که استدامه نیت

داشته باشد تا آخر طواف ۲ واجب است در طواف اینکه در وقتی

که شروع می کند در طواف ابتدا کند بحجر الاسود و انتها کند بآن بانکه

اول عضو مقدم از مثل سر انگشت بزرگ از پا یا سر دماغ آن برابر اول

از جزو حجر بوده باشد اگر قدری پیشتر بایستد و حرکت کند صحیح نیست

و کافی است در حصول باین کیفیت ظن بآن در صورتیکه متمکن

از علم نباشد و الا علم بحصول آن لازم است و حاصل میشود علم

محاذی شدن بحجر باینکه سر انگشت خود را بگذارد در دم سنگ

قرمز یکه در زمین در میان سنگهای فرش مسجد نصب شده است

چنانچه

چنانچه حقیر در سفر مکه از بعضی از معلمین شنیدم که آن سنگ را

قرار داده و نصب شده استاد الاستادی جناب آقا سید محمد مهدی

نجفی اعلی الله مقامه می باشد و هر گاه مشرف شود از املاحظه نماید

در برو ولی آن سنگ بایستد بنوعیکه سر انگشت بدم آن باشد یا محاذی

آن و باید که تمام کند طواف را بآن موضعیکه ابتدا بآن نموده است

بدون کم و زیاد و اگر عمدا قدری زیاد کند صحیح است ۳ از واجبات

آنست که می باید در وقت طواف خانه کعبه را بجانب چپ خود قرار

دهد و حرکت کند پس اگر غیر این کند صحیح نخواهد بود و هر چند

سهوا یا جهلا باشد و هر چند بقدر یک گام حرکت بطور دیگر

کند ۴ از واجبات طواف آنست که حجر اسمعیل را داخل طواف

نماید پس اگر خارج از طواف نماید باطل خواهد بود و هر چند که

سهوا یا جهلا باشد و در وجوب اعاده همان شوط یا اعاده اصل

طواف خلافست و احوط اعاده طواف است   عرض می نماید که

چون حدی از برای محل طواف هست که تعدی از آن مبطل است

خصوص در سمت حجر اسمعیل انچه حقیر معین نمودم در حین مشرف
شدن بقدر یک ذرع و نیم از پشت حجر در تو نرود که از حد محل طواف
بیرون میرود ° از واجبات آنست که در حال طواف مجموع بدن
آن بیرون باشد از خانهٔ کعبه پس اگر راه برود بر شاذروان که
سکوئیست که طنابهای خانهٔ کعبه را بآن می بندند و حلقها بران
نصب شده است باطل خواهد بود و باید که دست بر دیوار خانهٔ کعبه
نگیرد که باطل خواهد بود در حال حرکت کردن   از واجبات
آنست که باید که طواف ما بین خانه و مقام ابراهیم بوده باشد پس
اگر مقام را داخل طواف نماید صحیح نیست و هرچند که سهواً
یا جهلا باشد   از واجبات آنست که هفت شوط را کامل بکند
کم و زیاد ننماید که اگر غیر آن نماید باطلست اگرچه بقدر یک گام
باشد مگر بعد از اتمام هفت شوط نیت زیادتی کند آن صحیح است
و اگر سهوا زیاد کند در اثنای شوط متذکر شود قطع می کند و
طواف آن صحیح است و اگر شک کند در عدد شوطها اگر بعد از فراغ

ازطواف

ازطواف باشد شک آن اعتبار ندارد و اگر در اثنای طواف بعد
از آنکه شوط را تمام کرده باشد شک کند در عدد آنها اگر شک
در جانب زیادتی باشد مثل اینکه هفتم است یا هشتم بنا بر اقل می
گذارد و طواف آن صحیح است و اگر شک در جانب نقصان باشد
مثل شش یا هفت طواف آن باطل است بنا بر اقوی و اگر ظن بهم
برساند از قول غیر یا اسباب دیگر بنا بر ظن میگذارد و اینها در طواف
واجب است و اما در طواف سنت بنا بر اقل می گذارد و تمام می کند
و طواف آن صحیح است   در مستحبات طواف است و آن چند
چیز است ۱ آنست که مستحب است غسل از برای داخل شدن مکه
از جائی که یک فرسخی مکه است و هر کس از راه مدینه برود از فخ
می گویند ۲ سنت است جائیدن اذخر و آن گیاهیست
که معروف است در آنجا و بوی خوشی دارد ۳ سنت است که
با پای برهنه کند و نعلین را بدست بگیرد و برود زیرا که این موجب
مغفرت گناهان می شود ۴ سنت است اینکه هر گاه بدر

مسجد رسیدی بایستی و بگوی السلام علیک ایها النبی و رحمة
الله و برکاته بسم الله و بالله و ما شاء الله و السلام علی
انبیاء الله و رسله و السلام علی رسول الله و السلام علی
ابراهیم و الحمد لله رب العالمین   سنت است اینکه داخل
مسجد الحرام شود از باب بنی شیبه و لکن چون حال مسجد را وسعت
داده اند و این باب داخل شده است از باب السلام داخل باید شد
که از مقابل است با باب بنی شیبه که از انجا داخل شود و هرگاه داخل
مسجد شد و هر دو دست خود را بلند کن و رو کن بجانب کعبه و بگو
اللهم انی اسئلک فی مقامی هذا فی اول مناسکی ان تقبل توبتی
و ان تجاوز عن خطیئتی و تضع عنی وزری الحمد لله الذی
بلغنی بیتک الحرام اللهم انی اشهد ان هذا بیتک الحرام الذی
جعلته مثابة للناس و امنا مبارکا و هدی للعالمین اللهم
ان العبد عبدک و البلد بلدک و البیت بیتک جئتک
اطلب رحمتک و ادم طاعتک مطیعا لامرک راضیا بقدرک

اسئلک

اسئلک مسئلة الفقیر الخائف لعقوبتک اللهم افتح لی
ابواب رحمتک و استعملنی بطاعتک فی مرضاتک   سنت
است اینکه برود بسمت حجر الاسود پس در برابر آن بایستد و هر دو دست
خود را بلند کند و حمد و ثنا و جناب اقدس الهی را بجا بیاورد و صلوات
بر پیغمبر صلعم بفرستد و سؤال کند از جناب اقدس الهی که اعمال آن را قبول
نماید و بعد از ان در بغل بگیرد چنانکه جناب پیغمبر صلعم او را در بغل می گرفتند
واشتند از جنبهای مبارکشان فرموده منحیث و میفرمود که باین طریق
اعمال حج خود را بعمل بیاورید و هرگاه متعذر باشد که حجر را در بغل
بگیرد دست بر حجر بگذارد و هرگاه آن نیز ممکن نباشد اشاره بدست
کند و بگوید اللهم امانتی ادیتها و میثاقی تعاهدته لتشهد لی
بالموافاة اللهم تصدیقا بکتابک و علی سنة نبیک صلی الله
علیه و اله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان
محمدا صلی الله علیه و اله عبده و رسوله امنت بالله و
کفرت بالجبت و الطاغوت و اللات و العزی و عبادة الشیطان

وعبادة کل ندٍّ یُعبد من دون الله سنت است در حال طواف
مشغول بذکر و تلاوت قرآن و صلوات بر پیغمبر و دعا بوده باشد
و سنت است که با دام راه رود و در شوط هفتم مستجار را در بغل
بگیرد و صورت خود را بآن بچسباند و جهد نماید در دعا و طلب مغفرت
و حفظ از آتش جهنم و اقرار نماید بگناهان خود جا بجا در حدیث
وارد شده است که هیچ بنده نیست که اقرار کند در انجا بگناهان خود
مگر آنکه آمرزیده شود و در آنوقت بگوید اللهم البیت بیتک
والعبد عبدک وهذا مکان العائذ بک من النار و ایضاً بگوید
اللهم من قبلک الروح والفرج والعافیة اللهم ان عملی ضعیف
فضاعفه لی واغفر لی ما اطلعت علیه منی وخفی علی خلقک
در نماز طواف است و آن دو رکعتست و آن واجب است
در طواف واجب بنابر اقوی و احوط آنست که نماز را در پشت مقام
ابراهیم بجا بیاورد و ظاهر آنست که در دو طرف مقام نزدیک بآن
بعمل بیاورد و جایز نیست اینکه مقدم بایستد از مقام در نماز
بل

بلکه باید سر او در حال سجود پیش نرود که داخل در محل طواف شود
و نماز طواف مندوب را جایز است که بجا بیاورد در هر موضع
از مسجد که باشد و نیت نماز را میگوید دو رکعت نماز طواف عمرهٔ
اسلام بجا می آورم واجب قربة الی الله و جمیع احکامی که در نماز یومیه
می باشد در این نیز میباشد و مخیر است در جهر و اخفات این نماز
و بهتر آنست که در رکعت اول قل هو الله و در ثانی قل یا ایها
الکافرون بخواند و هرگاه از نماز فارغ شد بعد از حمد الهی و صلوات
بر پیغمبر بگوید اللهم ارحمنی بطاعتی ایاک وطاعتی رسولک
صلی الله علیه وآله اللهم جنبنی ان اتعدی حدودک
واجعلنی ممن یحبک ویحب رسولک وملائکتک وعبادک
الصالحین و بعد از ان بسجود برود و بگوید سجد وجهی
لک تعبداً ورقاً لا اله الا انت حقاً الاول قبل کل شیء
والآخر بعد کل شیء وها انا ذا بین یدیک ناصیتی بیدک
واغفر لی انه لا یغفر الذنب العظیم غیرک فاغفر لی فانی

مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ وباید
که در این وقت گریه کند چنانچه صادق آل محمد صه اینرا دعا را
در سجود خواندند و انقدر گریه کردند که بعد از انکه سر مبارک
از زمین برداشتند گویا که صورت مبارک ایشان را در آب
فرو برده بودند و از اخبار بسیار و ظاهر بعض علماء ظاهر
میشود که نماز طواف را فرادا باید بعمل بیاورد و آن احوط است
در سعی ما بین صفا و مروه است و در ان چهار مطلب است
در چیزهائیست که سنت است پیش از سعی بجا آورده شود
و ان چند چیز است بعد از فراغ از طواف برود بسمت حجر
الاسود و در بغل بگیرد و ببوسد ان را و اگر متعذر باشد
اشاره نماید و حمد و ثنای الهی را بجا بیاورد و صلوات بر پیغمبر
بفرستد و از ظاهر بعض اخبار بغل گرفتن حجر یا اشاره بان
وجوب ان ظاهر میشود و ان احوط است سنت است که
بعد از ان برود بسر چاه زمزم و از ان آب بیاشامد و بر شکم و بدن خود

بریزد

بریزد از همان دلوی که مقابل حجر است سنت است که خود
شخص آب را بان دلو بکشد و وقت آشامیدن و ریختن ببدن بگوید
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ
وَسُقْمٍ سنت است که بیرون برود بکوه صفا تا جائیکه
دیده شود کعبه از در مسجد و از انجا رو بیاورد بحجر و بایستد
مدت بسیاری بقدر خواندن سوره بقره و بعد از ان حمد
جناب اقدس الهی بکند و بخاطر بگذراند نعمتهای جناب
اقدس الهی را و هفت مرتبه اَللّٰهُ اَكْبَرُ و هفت مرتبه لَا اِلٰهَ اِلَّا
اللّٰهُ و هفت مرتبه اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بگوید و بعد از ان این دعا را
سه مرتبه بخواند لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ
وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ و بعد از ان سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ و بعد از ان بگوید اَللّٰهُ اَكْبَرُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى مَا
هَدَيْنَا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى مَا اَوْلَيْنَا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى الْحَيِّ الْقَيُّومِ

والحمد لله الحي الدائم سه مرتبه و میگوید اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
لا نعبد الا اياه مخلصين له الدين ولو كره المشركون
سه مرتبه و بگو اسئلك العفو والعافية واليقين في الدنيا
والاخرة سه مرتبه و بگو اللهم آتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة
حسنة وقنا عذاب النار سه مرتبه بعد از ان تکبیر بگو صد
مرتبه و بعد از ان لا اله الا الله بگو صد مرتبه و بعد از ان
صد مرتبه والحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله
الا الله وحده وحده انجز وعده ونصر عبده وغلب
الاحزاب وحده وله الملك وله الحمد وحده وحده
اللهم بارك لي في الموت وفيما بعد الموت اللهم اني اعوذ
بك من ظلمة القبر ووحشته اللهم اظلني في ظل عرشك
يوم لا ظل الا ظلك و بسیار بگو استودع الله الرحمن الرحيم
الذي لا يضيع ودائعه ديني ونفسي واهلي اللهم استعملني

على

على كتابك وسنة نبيك وارزقني على ملته واعذني من
الفتنة بعد از ان تکبیر بگو سه مرتبه باز اعاده بکن دو مرتبه
باز اعاده بکن یکمرتبه باز اعاده بکن تکبیر را واگر قادر بر همه اینها
نباشی بعضی از اینها را بگو   سنت است که سعی را با طهارت
بعمل آورد و باید که جامه آن پاک باشد   دوم واجبات
سعی است و آن چند چیز است   اول نیت است و چنین نیت می کند که سعی
ما بین صفا و مروه را بجای می آورم در عمره اسلام عمره تمتع بر من واجب قربة
الی الله و باید نیت مقارن سعی باشد باینکه عقب پا را متصل بسازد
بکوه صفا و انتها نماید بمروه باینکه سر انگشتهای پا را بمروه برساند
ولکن اولی و احوط آنست که تا بلندی چهارم بالا برود   دوم واجب است
که هفت مرتبه شوط کند باینکه از صفا بمروه را یکمرتبه حساب کنند
و از مروه بصفا را یکمرتبه و واجب است که ابتدا نماید از صفا و
تمام نماید بمروه و باید که وقتی که از مروه بر میگردد عقب پا را
بچسباند بمروه و برود تا صفا و سر انگشتها را بصفا بچسباند

وباید که پا را اگر محجبانند بکوه حایل نداشته باشد مثل جوراب و
غیره   واجب است که از راه متعارف برود و اگر از راه دیگر برود
صحیح نیست دوم روی بمقصود برود یعنی مقصود قبلهٔ خود قرار
دهد   واجب است که سعی را بعد از طواف نماید و باید نیت
اول باقی باشد پس اگر نیت مخالف کند هر چند در جزء از سعی باشد
باطل خواهد بود   در امور یست که سنت است در حال سعی و
آن چند چیز است   سنت است که پیاده سعی نماید و با تذلل و
خشوع باشد خصوص در اول و آخر هر شوط   سنت است که هرگاه
بمناره رسید هروله نماید تا کوچهٔ عطارها که انجا مناره دیگر است
بوضعیکه شتر راه میرود و این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَاللهُ
اَکْبَرُ وَصَلَّی اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ و بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَاعْفُ
عَمَّا تَعْلَمُ اِنَّکَ اَنْتَ الْاَعَزُّ الْاَکْرَمُ و هرگاه بمناره دیگر رسید و گذشت
بگوید یَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْکَرَمِ وَالنَّعْمَاءِ وَالْجُودِ اغْفِرْ لِی
ذُنُوبِی اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ و مادام دل برود تا انکه

بمروه

بمروه برسد و هرگاه سوار باشد بموضع هروله خود را حرکت بدهد
سنت است که در شوط اول چون بمروه رسید بالای مروه
برود و رو بسمت حجر کند و آن دعاها که در صفا مذکور شد بخواند
در احکامی است که متعلق است بسعی و در آن چند مسئله است
اینکه باید دانست که سعی مثل طواف رکن است در عمرهٔ اسلام مثل
حج اسلام پس هرگاه ترک شود عمداً عمره باطل است و هرگاه سهواً ترک
شود باید برگردد و بعمل بیاورد و اگر عود ممکن نباشد واجب است
که نایب بگیرد که بعمل بیاورد و باید که نایب عادل باشد   اینکه واجب است
که هفت شوط بعمل بیاورد بدون کم و زیاد اگر چه بقدر یک بند انگشت
باشد و احوط آنست که اگر زیاد کند سهواً صحیح است   اگر یقین
داشته باشد عدد هفت شوط را و شک کند در اثناء اینکه ابتدا
از صفا کرده یا از مروه اگر عدد زوج بر صفا باشد شوط دیگر بعمل
می‌آورد که تمام کرده باشد عدد هفت شوط را بمروه و انصحیح است
و اگر عدد طاق بر صفا باشد اعاده باید بکند سعی را زیرا که دلالت

هاد بر اینکه از مروه ابتدا کرده است و اگر شک داشته باشد در عدد
کرده‌اند که چند شوط کرده است واجب است که اعاده کند سعی را و اگر
شک داشته باشد میان زیاد و کامل مثل اینکه هفت شوط کرده
است یا نه شوط اگر در مروه باشد صحیح است و اگر در صفا باشد
اعاده می‌کند   موالات در سعی واجب است مثل طواف پس اگر
اخلال بموالات بکند بدون ضرورت باطل است بنا بر احوط
جایز است قطع کردن سعی بجهت امری که عارض شود مثل قضاء حاجت
چه از خود باشد یا از غیر و مثل نماز واجب و غیر آن و بعد از رفع
حاجت تمام میکند سعی را از همانجائی که قطع کرده است و احوط
آنست که اگر از نصف نگذشته باشد سعی را از سر بگیرد   جایز است
اینکه بنشیند در میان سعی بر کوه صفا یا مروه   در تقصیر است
واجبست که بعد از فراغ از سعی تقصیر نماید و مراد از تقصیر آنست که قدری
از موی سر یا ریش یا شارب یا ناخن بگیرد و احوط جمع بینهما است
و واجب است که نیت کند که تقصیر میکنم از جهت حلال شدن هر چه

بر من حرام

بر من حرام بود در عمرهٔ اسلام عمرهٔ تمتع واجب قربة الی الله و باید که
نیت را مقارن تقصیر نماید و باید که بعد از تقصیر بقیه سر را بتراشد
که حرام است و اگر تراشید باید یک گوسفند بکشد بنا بر مشهور
و این احوط است و اما در عمرهٔ تمتع طواف نسا نیست بلکه در عمرهٔ
مفرده و در حج میباشد و بعد در تفصیل افعال حج تمتع است
و در آن دو بحث است   در احرام حج است واجب است بر حاج
که آن را بعد از فراغ از افعال عمره که آخر آن تقصیر است مشغول
شوند و افضل اوقات از برای احرام حج آنست که روز ترویه
که هشتم ذی الحجة است نزدیک بزوال غسل بکند و در جامهٔ
احرام بپوشد و داخل مسجد الحرام شود پای برهنه و با آرام
دل و بدن و بعد از آن دو رکعت نماز بجا آورد در مقام
ابراهیم یا در حجر اسمعیل یا در زیر ناودان بعد از آن بنشیند
تا زوال شود پس نماز ظهر و عصر را بجا آورد و احرام بربندد
باینکه نیت کند که احرام حج تمتع و حجة الاسلام می‌بندم واجب

قربة الی الله و اگر قبل از احرام مجموع افعال حج را نیت کند
بهتر است و اگر بعد از نماز واجب نباشد سنت است که دو رکعت
نماز بجا آورد و بعد از احرام تلبیه را بوضعیکه مذکور شد
در احکام عمره بگوید ولکن باید تلبیه را آهسته بگوید و هرگاه
بخطار رسید بیش از ان و ان هر دو اسم مکانیست نیز تلبیه را آهسته
اعاده کند و هرگاه مشرف بر ابطح شد صدا را بتلبیه بلند کند
وانچه مذکور در وقت احرام و محل آن بر وجه استحبابست
والا جایز است که احرام بربندد بیش از تلبیه تا سر روز و محل
احرام مکه است در هر جا که خواسته باشد و اگر فراموش کند
احرام بحج را در مکه و بیرون آمده باشد بمنی یا عرفات پس
هرگاه متمکن باشد از برگشتن بمکه بوضعیکه بداند که ادراک
می نماید وقوف بعرفات یا مشعر را برمیگردد و اگر نه احرام می بندد
از هر موضعیکه بوده باشد و هر چیزی که حرام و مکروه بود بر محرم
بعمره حرام است بر محرم بحج و سنت است که قرائت کند سوره انا
انزلناه

انزلناه را در وقتیکه از مکه بیرون می آید و متوجه منی میشود
و سنت است که بعد از رسیدن بابطح و بلند کردن صدا را
بتلبیه این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِیّاکَ اَرْجُوا وَ اِیّاکَ اَدْعُوا
فَبَلِّغْنِی اَمَلِی وَ تَقَبَّلْ مِنِّی وَ اَعْطِنِی سُؤْلِی مِنْ رِضْوانِکَ وَ اَجِرْنِی
مِنْ عَذابِکَ   در احکامی است که تعلق دارد بمنی پس
بدانکه سنت است که شب عرفه را در منی بماند تا صبح و مکروه است
که بیش از طلوع صبح حرکت نماید از آنجا   در عرفات
و در احکامی است که تعلق دارد بوقوف در عرفات و از چند
قسم است   در دانستن وقت وقوف و محل آنست بدانکه
از برای وقوف بعرفات دو وقت است   وقت اختیاری
آن از اول زوال روز عرفه است تا غروب آفتاب   وقت
اضطراری آن از اول شب عید است تا طلوع صبح و هرگاه
حاضر شود هر وقت از اوقات اختیاری را ادراک حج را نموده
و اما حدود عرفات آن معروفست نزد اهل مکه باید از اینان

معلوم شود بطریقی که قطع یا ظن حاصل شود که وقوف باصل عرفات
حاصل شود نه در اطراف آن و سنت است که وقت داخل شدن
آن از سمت مکه بپای کوه از سمت چپ وقوف نماید   عرض
مینماید که در حد آن کوهی است و از سمت مکه دو میل است که باید
از میان آن داخل شد و آن حد عرفاتست   در بیان کیفیت
وقوف بعرفاتست و آن عبادتست و موقوف بر نیت است واجب
است که چنین نیت کند که وقوف بعرفات میکنم در حج تمتع حجة
الاسلام واجب قربة الی الله و باید نیت مقارن باو وقوف باشد
و باین نیت باقی باشد تا غروب آفتاب و مستفاد از اخبار است
که بعد از غسل و نماز ظهرین بدون فصل مشغول بوقوف بشود
و در آنجا بماند تا غروب و مشغول بدعا و استغفار باشد
و این احوطست و جایز نیست که بعد از وقوف بیرون برود از عرفات
تا اینکه غروب شود هر چند که پیش از غروب برگردد و اگر از راه
ندانستگی باشد یا فراموشی حج آن صحیح است و موجب کفاره نمیشود

پس اگر عالم شود پیش از غروب که نبایست بیرون برود لازمست
که پیش از غروب برگردد و اگر بیرون رود پیش از غروب عمداً عالماً
فعل او حرام است و موجب کفاره می‌شود و کفاره آن اینست که یک
شتر قربانی کند بنا بر اصح و اگر قادر نباشد هیجده روز روزه بگیرد
یا در مکه یا در راه یا در خانه   در احکامی است که تعلق دارد
بوقوف و دانستنی وقوف بعرفات رکنی از ارکان حج است و هرگاه عمداً
ترک کند آن را در وقت اختیاری و اضطراری حج او باطل است و
هرگاه عمداً ترک کند وقت اضطراری را یا ترک اختیاری بدون
اختیار ظاهر بطلان حج است و هرگاه عمداً ترک کند وقت اختیاری را
و بجا آورد وقت اضطراری را اقوی بطلانست و اگر ترک کند از راه
فراموشی یا ندانستگی وقوف را در وقت اختیاری یا اضطراری
لکن ادراک کند وقوف مشعر را در وقت اختیاری حج او صحیحست
و هرگاه ادراک کند وقوف بعرفات را در وقت اختیاری و ادراک
کند مشعر را در وقت اضطراری پس حج آن نیز صحیح است و هرگاه

ادراک کند وقوف بمشعر را مطلقا مشهور و اقوی صحت حج
آنست و اگر ادراک کند مشعر را در وقت اضطراری و وقوف
بعرفات را نه در وقت اختیاری و نه در وقت اضطراری حج آن
فاسد است و باید سال دیگر حج را بعمل آورد و اگر ادراک کند وقوف
بعرفات را و مشعر هر دو را در وقت اضطراری اقوی و اشهر صحت
حج است و هرگاه ادراک کند وقت اضطراری مشعر را که آن از
طلوع آفتاب روز عید است تا زوال آن و ادراک نکند نه وقوف
عرفات را مطلقا و نه وقوف اختیاری مشعر را که آن از اول طلوع
صبح عید است تا طلوع آفتاب پس اقوی و اشهر بطلان حج آنست
چنانچه هرگاه ادراک کند وقوف اضطراری عرفات را و ادراک
نکند وقوف بمشعر را نه اختیاری آن را و نه اضطراری آن را
حج آن باطل است و مجمل از آنچه مذکور شد از صور و اقسام وقوف
اختیاری و اضطراری عرفات هشت صورتست که دو صورت
آن باطل است   ادراک وقوف مشعر بتنهائی است   وقوف

عرفات

27

عرفات اضطراری بتنهائی است و شش صورت دیگر آن صحیح است
اختیاری عرفات بتنهائی   اختیاری مشعر بتنهائی
اختیاری عرفات و مشعر است و این اکمل افراد حج است
اضطراری عرفات و مشعر است   اختیاری عرفاتست یا
اضطراری مشعر   اختیاری مشعر است با اضطراری عرفات
و مراد از وقوف بودن حاج است در عرفات و مشعر در آن وقت
مخصوص چه ایستاده باشد یا نشسته یا در حرکت یا سوار باشد
تا آخر وقت آن که از آنجا حرکت نماید و هرگاه از اول وقت
وقوف تا آخر آن در خواب یا بیهوش باشد مجزی نخواهد بود.
بنا بر مختار چرا که افعال حج هر یک عبادت مستقل است و محتاج
به نیت می باشد و اگر در اول وقت که اول زوالست نیت
وقوف را نماید و بخوابد یا بیهوش یا دیوانه شود در باقی
مدت وقوف حج آن صحیح است و سنت است که جمیع راههائی
که موجب تفرقه حواس می شود بر خود سد نماید که موجب توجه

توجه بدرگاه خالق می شود و بهترین چیزها دعا کردن از
برای برادر دینی است موافق آنکه از حضرت امام موسی ع
نقل شده است اینکه هر کس دعا کند از برای برادر دینی خود
ندا میرسد از جانب رب العزة اینکه از برای تو صد هزار مثل
این دعا از برای برادر دینی کردی می باشد و سنت است که
هرگاه از منی حرکت کند و متوجه عرفات شود بگوید اللهم
الیك صمدت و ایاك اعتمدت و وجهك اردت
فاسئلك ان تبارك لی فی رحلتی و ان تکفینی فی
حاجتی و ان تجعلنی ممن تباهی الیوم من هو افضل منی
و بعد از آن مشغول تلبیه شود تا زوال و بعد از تحقق زوال
در عرفات غسل روز عرفه بجا آورده و مشغول بنماز ظهرین
می شود و جمع کند میان ظهر و عصر بیك اذان و دو اقامه
و نماز را بتعجیل کند و مشغول بخضوع و خشوع باشد و بعد
از آن مشغول بدعا شود و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه

الحمد

الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه قل هو الله
و صد مرتبه ما شاء الله لا قوة الا بالله و صد مرتبه
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له له الملك
و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر و بعد از آن ده آیه از اول سوره
بقره را می خواند و بعد از آن سه مرتبه قل هو الله احد را
بخواند و بعد از آن آیة الکرسی را می خواند تا هم فیها خالدون
و بعد از آن بخواند این سوره را ان ربکم الله الذی خلق
السموات و الارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
یغشی اللیل و النهار یطلبه حثیثا تا آخر آیه و بعد از آن
معوذتین را میخواند و بعد از آن ذکر و تعداد می نماید
نعمتهائی که جناب اقدس الهی انعام بان کرده و حمد جناب
اقدس الهی را نماید بر آنچه انعام کرده است و حمد می کند بر آن
مصائبی که از آن را ابتلا نموده است بان و بعد از آن این دعا

می‌خوانند اللهم لک الحمد علی نعمائک التی لا تحصی بعدد ولا
یکافئنی بعمل و بسیار صلوات بر پیغمبر می‌فرستد و می‌گوید
أسئلک یا الله یا رحمن بکل اسم هو لک وأسئلک بقوتک
وقدرتک وعزتک وجمیع ما احاط به علمک وبجمعک
وبارکانک کلها وبحق رسولک صلوات الله علیه و
باسمک الاکبر وباسمک الاکبر وباسمک العظیم الذی
من دعاک به کان حقا علیک ان لا تخیبه وباسمک
العظیم الذی من دعاک به کان حقا علیک ان لا ترده
وان تعطیه ما سئل ان تغفر لی جمیع ذنوبی فی جمیع علمک
فیّ و بعد از آن سؤال کند هر حاجتی که باشد از دنیا و آخرت
و بعد از آن می‌گوید هفتاد مرتبه أسئلک الجنة و هفتاد مرتبه
استغفر الله واتوب الیه و باید استعاذه نماید از شیطان
بجناب اقدس الهی زیرا که در حدیث وارد شده است اینکه
شیطان بغفلت می‌اندازد در این مکان و دعای توبه

و دعای

و دعای عرفه را از صحیفه بخوانند و ظن آن بر آن باشد که جناب
اقدس الهی آن را بیامرزد و سنت است که در جمیع احوال ذکر
و دعا ایستاده باشد مگر در حال ضرورت و چون ظواهر اخبار
وجوب دعا و ذکر است در عرفات و بعض علماء فتوی بوجوب داده‌اند
احوط آنست که ترک و ذکر آنرا ننماید و چون آفتاب غروب کرد باینکه
بطرف شود سر بجانب مشرق کوچ کنند و روانه مشعر الحرام شوند
و سنت است که هرگاه روانه شدند مشغول استغفار باشند
و با آرام دل و بدن و ایذای مردم ننمایند و سنت است که هرگاه
بکثیب احمر رسیدند و آن پشته ریگ است از جانب راست راه
این دعا را بخوانند اللهم ارحم موقفی و زد فی عملی و سلم
دینی و تقبل مناسکی و در بعض نسخ وارد شده است
باین زیادتی اللهم لا تجعله آخر العهد من هذا الموقف
وارزقنیه ابدا ما ابقیتنی و نقل شده است اینکه جناب
صادق آل محمد علیهم السلام آخر کلام ایشان این بود که اللهم انی

أعوذ بك أن أظلم أو أُظلم أو أقطع رحماً أو أوذي جاراً
وسنت است که در حال ازدحام مردم کوچ نکنند و سنت است
که هرگاه بمازم رسیدند و آن دو کوه است از حدود مشعر اینکه
میان هردو کوه پایین بیایند و بول کنند و وجه آن چنانچه
در حدیث است آنست که این موضعی بود که مردم در انجا بتهارا
عبادت میکردند و از انجا سنگی تراشیدند و بت ساختند
و اسم او هبل گذاشتند و جناب پیغمبر (ص) آن را در باب بنی
شیبه دفن نمودند و سنت است که در انجا تکبیر بگویند و بلند
بگویند زیرا که شیطان با اصحاب خود در انجا جمیع راه را بر حاجی
ها تنگ می کنند و هرگاه تکبیر گفتند شیاطین میگریزند

در مشعر است و احکام مشعر است و در ان چند بحث است

در وقت و محل مشعر است و از برای آن دو وقت است
وقت اختیاری و آن از طلوع صبح روز عید است تا طلوع
آفتاب   وقت اضطراری و آن از طلوع آفتاب است تا زوال

روز

روز عید و محل مشعر مسافتی است ما بین هر دو کوه است تا حوضها
تا وادی محسر و اگر وقوف نماید در غیر این محل باطل است
و جایز است رفتن ببالای کوه در حال اضطرار بجهت ازدحام
و کثرت مردم و وقوف نماید در انجا   در بیان کیفیت وقوف
بمشعر و آن رکنی در حج تمتع حجة الاسلام واجب قربةً الی الله و واجب
است که در انجا بماند تا طلوع آفتاب و آنچه گذشت در
احکام وقوف بعرفات از مقدار و کیفیت و وقوف
در اینجا جاری میشود و لکن وقوف مشعر را در شب عید بعمل
بیاورد و بیتوته از طلوع صبح از مشعر بگذرد و بمنی برود حج او
ان صحیح است اگر وقوف بعرفات را نموده باشد هرچند خوب
ترک است و لکن واجب است بر او در اینحال اینکه یک گوسفند
قربانی نماید و اگر جاهل باشد یا فراموش بکند و از مشعر بگذرد
حج او نیز صحیح است بشرط حصول وقوف بعرفات و کفاره هم ندارد
و از اینجا معلوم شد که وقت اختیاری مشعر دو وقت است یکی

از اول شب عید است تا طلوع صبح و یکی از طلوع صبح است تا
طلوع آفتاب   در سنتهای وقوف است   سنت است
که تاخیر کند نماز مغرب و عشا را از وقت فضیلت تا اینکه بمشعر
برسد و جمع کند ما بین مغرب و عشا را بیک اذان و دو اقامه
سنت است اینکه نزول کند در میان وادی از جانب
راست راه   سنت است بر حاج که راه برود در مشعر بطور
جستن چنانچه در حدیث وارد شده است که هر که چنین کند
در مشعر مستوجب خواهد شد که البته در بهشت چنین کند
سنت است اینکه احیا کند شب مشعر را و مشغول دعا و
ذکر باشد زیرا که در حدیث صحیح است از حضرت صادق علیه
اینکه فرمود رسیده است بما که درهای آسمان در این شب
بسته نمیشود از جهت صداهای مومنین که مشغول دعا و ذکر
می باشند پس حق تعالی میفرماید ای بندهگان من من پروردگار
شمایم و شما بندههای منید و بجا آوردید حق مرا و سزاوار است

بر

بر من که مستجاب کنم دعاهای شما را پس بر طرف می کند گناهان هر که
را که خواسته باشد و از جمله دعائی که وارد شده است آنست
که بعد از رسیدن بمشعر بگوید اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ جَمْعٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْمَعَ لِی فِیهَا جَوَامِعَ الْخَیْرِ اَللّٰهُمَّ لَا تُؤْیِسْنِی مِنَ
الْخَیْرِ الَّذِی سَئَلْتُكَ اَنْ تَجْمَعَهُ لِی فِی قَلْبِی وَاَطْلُبُ اِلَیْكَ
اَنْ تُعَرِّفَنِی مَا عَرَّفْتَ اَوْلِیَائَكَ فِی مَنْزِلِی هٰذَا وَاَنْ تَقِیَنِی
جَوَامِعَ الْخَیْرِ   سنت است اینکه در مشعر شب را بماند تا صبح
و بعضی قائل بوجوب شده اند و این قول خالی از قوة نیست
و احوط آنست که در شب نیت وقوف بمشعر را و بیتوته آن را
نماید قربة الی الله و قصد وجوب یا ندب را نه نماید و بعد از
طلوع صبح دو مرتبه نیت وقوف را واجب نماید   سنت است
اینکه بعد از رسیدن بمشعر تعجیل کند در نماز مغرب و عشا
پیش از اینکه بار خود را از شتر پائین کند   سنت است
اینکه بعد از طلوع صبح مبادرت نماید بنماز صبح و بعد از

مشغول بوقوف شود و باید که با وضو باشد و بعد از نمازی
ایستد و بقبله و نیت وقوف را می کند و بعد از ان حمد و ثنای
حقتعالی بجا آورد و صلوات بر پیغمبر بسیار بفرستد و تعداد نعمای
نعمتهای الهی را که بان عطا کرده است و بلاهائی را که خدا بران
نازل نموده است هر قدر که قدرت بر شماره انها داشته باشد
و بعد از ان بخواند این دعا را اللهم رب المشعر الحرام فک
رقبتی من النار و اوسع علی من رزقک الحلال و ادرء
عنی شر فسقة الجن و الانس اللهم انت خیر مطلوب الیه
و خیر مدعو و خیر مسئول و لکل وافد جائزة فاجعل
جائزتی فی موطنی هذا ان تقیلنی عثرتی و تقبل معذرتی
و ان تجاوز عن خطیئتی ثم اجعل التقوی زادی برحمتک
یا ارحم الراحمین سنت است از برای غیر حاج
اینکه کوچ کند از مشعر قدر قلیلی پیش از طلوع آفتاب و لکن
از وادی محسر نگذرد تا طلوع افتاب و ظاهر حرمت گذشتن
است

است پیش از طلوع از وادی و چون بوادی رسید سنت است
که هروله نماید و اگر سوار باشد مرکب خود را حرکت بدهد
و سنت است که وقت عبور از وادی بگوید اللهم سلم لی
عهدی و اقبل توبتی و اجب دعوتی و اخلفنی فیما
ترکت بعدی و ان وادی صد گام یا صد ذراع است
سنت است اینکه ریگ جمره را از مشعر الحرام برچیند هر چند
جائز است برچیدن ریگ از غیر مشعر و لکن باید از حرم باشد
بغیر مسجد الحرام و احوط آنست که از غیر مسجد باشد مطلقا
و باید که هفتاد دانه ریگ برچیند و اگر زیادتر باشد بهتر است
از جهت اینکه بعضی از انها مبادا بمیل نخورد در
نزول بمنی است و در ان شش مقام است در احکام
واجب ریگ انداختن بعقبه است واجب است که رمی جمره
عقبه را نماید و جمره عقبه میلی است در منی که باید هفت
ریگ بران زده شود و وقت آن از طلوع آفتاب روز عید است

تا غروب و در رمی جمره چند چیز واجب است نیت نماید
باینکه می اندازم این ریگ را برای میل در حج تمتع حجة الاسلام
برمن واجب قربة الی الله و باید نیت مقارن انداختن ریگها
باشد و نیت باقی باشد تا فارغ شدن از زدن ریگها
و ظاهر آنست که محتاج باعادهٔ نیت از برای هر ریگی نباشد
بلکه اعادهٔ نیت از برای هر ریگی بی اشکال نیست
واجب است اینکه بزند آن ریگها را بان محل که اگر بکند او را بدست
مجزی نخواهد بود و باید بآن محل بخورد که اگر بان نرسد
صحیح نیست و اگر بجای دیگر بخورد و از انجا بان بخورد صحیح است
و اگر باعانت غیر بان محل برسد صحیح نیست و مکانی که باید
بآن برسد خود میل است یا جای آن میل که اگر بیندازد ریگ بآن
ریگهائی که در اطراف آن میل است مجزی نخواهد بود
واجب است که ان ریگها را پیش بان جمره زده باشند و باید
که هفت ریگ را بیک دفعه نزنند و احوط آنست که ریگها را
از غیر